

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی بر میزان ارتکاب جرم در محکومان دادگاه‌های کیفری زاهدان

نرگس جان آبادی^۱، سیده مهسا چهکندی^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

خانواده و محیطی که افراد در آن رشد می‌کنند، می‌تواند عامل مهمی در بروز رفتارهای انحرافی و ارتکاب جرم در آینده باشد. نظریه دلبستگی که بر اساس روابط اولیه افراد با والدین شکل می‌گیرد، جایگاه ویژه‌ای در میان نظریه‌های تبیین‌کننده رفتار مجرمانه دارد. هدف از این نوشتار بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی در میزان ارتکاب جرم در محکومان دادگاه‌های کیفری زاهدان می‌باشد. در این پژوهش ۶۲ نفر از محکومان دادگاه‌های کیفری با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه محقق ساخته ارتکاب جرم را پر کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده تحلیل شدند. نتایج حاکی از آن بود بین سبک‌های دلبستگی و ارتکاب جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد و این رابطه در سبک دلبستگی ایمن، منفی و معنادار و در سبک‌های دلبستگی اجتنابی و ناایمن (دوسوگرا) مثبت و معنی‌دار بوده است. به این معنی که استفاده از سبک‌های دلبستگی اجتنابی و ناایمن (دوسوگرا) در کودکی باعث ایجاد ترس و تداخل در فرآیند همدلی در بزرگسالی خواهد شد و این امر می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی و ارتکاب جرم در افراد شود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، ارتکاب جرم، محکومان دادگاه‌های کیفری.

۱- مقدمه

برخی از حقوقدانان جرم را تخطی از قوانین هر کشور در اثر اقدام خارجی می‌دانند، در صورتی که مستوجب مجازات بوده و اقدامات قانونی آن را تجویز نکرده باشد؛ اما برخی دیگر جرم را فعل یا ترک فعلی که موجب اختلال در صلح و آرامش شود و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، تعریف می‌کنند؛ اما این تعاریف مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چرا که معمولاً قانون کیفری انجام فعل را منع می‌کند و اعمالی که دستور انجام آن صادر می‌شود در حقوق جزا نادر است و هدف نهایی از تدوین قوانین جزایی جلوگیری از اعمالی است که به نحوی بر جامعه آسیب رسانده و نظم اجتماعی را به هم می‌زنند مانند سرقت، قتل و غیره (کی‌نیا، ۱۳۸۹). در ارتکاب جرم، عوامل مختلفی دخالت دارند، از جمله محیط اجتماعی که خود شامل محیط‌های خانوادگی، محیط‌های انتخابی، اتفاقی و تحمیلی است. هر کدام از این عوامل به نوبه‌ی خود می‌توانند در بروز رفتارهای انحرافی و ارتکاب جرم تاثیرگذار باشند (فتحی، ۱۳۹۰). خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرد و اساسی‌ترین واحدی است که هر کس به آن تعلق دارد. خانواده یک نظام اجتماعی طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد در چنین نظامی افراد به وسیله علائق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند، پایدار و متقابل به یکدیگر متصل می‌شوند (معنی زاده، وفایی نجار، ۱۳۹۵). پس خانواده نقش موثر و تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری سرنوشت کودکان دارد. روانشناسان نیز معتقدند اگر نیازهای روانی و جسمی افراد در دوران کودکی ارضا نشود، می‌تواند در آینده به صورت رفتارهای ضداجتماعی بروز کند (بابایی، نجیبیان، ۱۳۹۰).

نظریه دلبستگی، الگویی است که بر مبنای روابط اولیه افراد با والدین یا مراقب خود شکل می‌گیرد و بر روابط بین شخصی تاثیر می‌گذارد (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۳). طبق نظر بالبی رفتارهای دلبستگی و پیامدهای آن در سراسر چرخه زندگی فعال بوده و به هیچ وجه به دوره کودکی محدود نمی‌شود. سبک دلبستگی فرا گرفته شده می‌تواند رفتار افراد را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد (بشارت، گنجی، ۱۳۹۱). به گونه‌ای که افرادی که سبک دلبستگی متفاوت دارند تجارب مختلفی را در روابط فردی و عاطفی تجربه می‌کنند. بر اساس این نظریه، انسان‌ها تمایل دارند با افراد خاصی پیوند عاطفی برقرار کنند. همچنین دلبستگی الگویی است که بر اساس روابط اولیه فرد با والدین یا مراقبان خود شکل می‌گیرد و در آینده منجر به روابط بین فردی می‌شود و می‌تواند ایمن، ناایمن (دوسوگرا) و اجتنابی باشد (معنی زاده، وفایی نجار، ۱۳۹۵). نظریه دلبستگی جایگاه ویژه‌ای در میان نظریه‌های تبیین‌کننده رفتار مجرمانه دارد؛ چرا که به نقش اتفاقات دوران کودکی و محرومیت مادرانه در بوجود آمدن رفتارهای مجرمانه اعتقاد دارد. در این نظریه دو نکته حائز اهمیت وجود دارد: ۱- برای تامین سلامت روانی، بین مادر و کودک باید ارتباط گرم، نزدیک و مستمر برقرار باشد، ۲- در اکثریت مجرمان، عامل جدایی از مادر و طرد فرزند توسط مادر، دیده می‌شود (نجاتی و همکاران، ۱۳۹۶). پس خانواده بهترین نهادی است که می‌تواند در پیشگیری از جرم و رسیدن به یک زندگی مطلوب، به افراد کمک کند. به همین دلیل بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسی بر روی زندگی خانوادگی مجرمان تمرکز کرده‌اند و دریافتند که ریشه بسیاری از جرایم و جنایات به مسائل خانوادگی مرتبط بوده است (همان). در همین راستا سالتاریس (۲۰۰۲) در پژوهش خود نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی با وقوع رفتارهای مجرمانه رابطه معنی‌داری وجود دارد. باقری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی عوامل خانوادگی موثر در ارتکاب جرم در بین شهروندان شهر اهواز پرداختند. نجاتی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به مقایسه سبک‌های دلبستگی در محکومان کیفری و افراد عادی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که افراد عادی بیشتر دارای سبک دلبستگی ایمن بودند و افراد مجرم و بزهکار نوعی ناایمنی در دلبستگی خود داشته‌اند. مطالعه حاضر به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی در وقوع ارتکاب جرم در محکومان دادگاه‌های کیفری زاهدان می‌پردازد.

۲- روش تحقیق

۲-۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق حاضر از نوع همبستگی است و جامعه آماری شامل کلیه افراد ۲۰ تا ۴۰ سال بودند که به دلیل انجام جرائم کیفری از قبیل خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل، ضرب و جرح و... محکوم شده‌اند. از میان آنها تعداد ۶۲ نفر به صورت داوطلب و در دسترس به عنوان نمونه‌های تحقیق انتخاب شده و پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی و پرسشنامه محقق ساخته ارتکاب جرم در اختیارشان قرار داده شد.

۲-۲- ابزار

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید^۱

این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید ساخته شده است. این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و دارای ۱۸ داده می‌باشد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت که از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد (۱) تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارند (۵)، سنجیده می‌شود. مدت اجرای این پرسشنامه بر اساس زمینه یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شد است. این پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس، وابستگی، نزدیکی و اضطراب است. کولینز و رید نشان دادند که این زیر مقیاس ها در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار می‌مانند.

جدول ۱. طیف لیکرت پرسشنامه کولینز و رید

کاملاً مخالفم	تاحدودی مخالفم	نه مخالف نه موافق	تاحدودی موافق	کاملاً موافق
۱	۲	۳	۴	۵

۳- یافته‌های تحقیق

یافته های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۲. آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه سبک‌های دلبستگی فرزندان و ارتکاب جرم

ارتکاب جرم						
N	میانگین نمره	انحراف استاندارد	آماره پیرسون	P		
۶۲	۱۵/۳۱	۰/۲۸	۰/۱۰۵	۰/۰۰	اجتنابی	سبک‌های دلبستگی فرزندان
۶۲	۱۷/۳۰	۲/۱۳	-۰/۱۲۱	۰/۰۰	ایمن	
۶۲	۱۳/۲۲	۱/۰۲	۰/۲۱۳	۰/۰۰	دوسوگرا	

¹ Revised Adult Attachment Scale (Collins & Read, 1990)

نتایج جدول شماره ۲، حاکی از آن است که مقدار p برای همه مولفه‌های سبک‌های دلبستگی از ۰,۰۵ کمتر بوده است. پس می‌توان گفت بین سبک‌های دلبستگی فرزندان با ارتکاب جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه با توجه به نتایج جدول، برای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی ناایمن (دوسوگرا) با ضرایب همبستگی (۰/۱۰۵) و (۰/۲۱۳) مثبت و معنی‌دار بوده و برای سبک دلبستگی ایمن با ضریب همبستگی (۰/۱۲۱-) منفی و معنی‌دار بوده است.

جدول ۳. ضرایب وزنی رگرسیونی

متغیر	غیر استاندارد B	استاندارد B	مقدار T	R^2	F	DF	P
ارتکاب جرم	۲/۱۳۰	-	۱۳/۰۲			۱۶۷	۰/۰۰
سبک‌های دلبستگی فرزندان	اجتنابی	۰/۴۳۴	-۱/۱۴	۰/۵۹	۲/۲۴	۱۵۳	۰/۰۰
	ایمن	-۰/۵۶۱	-۱/۵۶				۰/۰۰
	دوسوگرا	-۰/۴۶۸	-۱/۷۸				۰/۰۰

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که مقادیر t متغیر سبک‌های دلبستگی فرزندان پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته (ارتکاب جرم) می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار ضریب تعیین ($R^2=۰/۵۹$) بوده، پس می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی فرزندان می‌تواند ۵۹ درصد، واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هر عاملی که قانون را نقض کند و با مجازات همراه باشد جرم است. ارتکاب جرم به عوامل مختلفی که می‌تواند افراد را به سمت نابهنجاری هدایت کند، بستگی دارد. عوامل خانوادگی یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در بروز رفتارهای مجرمانه محسوب می‌شود. نظریه دلبستگی گرایش پایدار افراد در به دست آوردن یا حفظ رابطه با بزرگسالان دیگر است که به طور بالقوه توانایی ایجاد و حفظ امنیت و آسایش جسمانی و روانشناختی را دارند. نوشتار حاضر که در خصوص بررسی سبک‌های دلبستگی در میزان ارتکاب جرم محکومان مطرح شده بود، نشان داد افرادی که سبک دلبستگی متفاوتی دارند، در روابط فردی و عاطفی خود تجارب مختلفی را نیز تجربه می‌کنند. تحول عاطفی کودک تا حدی متأثر از رفتار و کنش عاطفی متقابل مادر و کودک می‌باشد که در سال دوم زندگی کودک نشانه‌هایی از آن در کودک نمایان می‌شود. اگر این رابطه یا تجربه دلبستگی کودک ایمن و مثبت باشد، کودک دارای ساختار روانی است که او را قادر می‌سازد با محیط سازگار شود و این راه، مسیری بهنجار است؛ اما اگر این تجربه دلبستگی ناایمن و منفی باشد، توانایی سازگاری با محیط پایین آمده و احتمال ارتکاب جرم در بزرگسالی افزایش می‌یابد. در این پژوهش رابطه سبک‌های دلبستگی در میزان ارتکاب جرم در محکومان دادگاه‌های کیفری زاهدان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که در تمام مولفه‌های سبک‌های دلبستگی مقدار p کمتر از ۰/۰۵ بوده پس می‌توان گفت بین سبک‌های دلبستگی و ارتکاب جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در سبک دلبستگی ایمن با ضریب همبستگی ۰/۱۲۱- منفی و معنادار بوده است. در افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، ظرفیت نوع دوستی، ارتباط و شفقت پرورش پیدا می‌کند از این رو در روابط خود با دیگران سهولت بیشتری داشته و می‌توانند درد و رنج دیگران را درک کرده و به آن پاسخ دهند. در این سبک دلبستگی کنش عاطفی مادر و کودک بهنجار است و این امر موجب می‌شود در

بزرگسالی فرد از ساختار روانی بالایی برخوردار بوده و در روابط اجتماعی نیز سازگاری بالایی داشته باشد؛ بنابراین با افزایش به کارگیری سبک دلبستگی ایمن در کودکان، زمینه‌های ورود به رفتارهای انحرافی و ارتکاب جرم در آینده کاهش می‌یابد. پژوهش شیور (۲۰۰۵) همسو با این نتایج می‌باشد.

اما این رابطه در سبک دلبستگی اجتنابی و نایمن (دوسوگرا) با ضریب همبستگی ۰/۱۰۵ و ۰/۲۱۳ مثبت و معنی‌دار بوده است. افراد با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی بیشتر احتمال دارد از صمیمت و وابستگی بترسند. در نتیجه از روابط رودررو به دلیل اینکه دیگران را غیر قابل اعتماد می‌بینند دوری می‌کنند. وجود ترس در افراد موجب زمینه‌های پیدایش رفتارهای انحرافی در آینده را فراهم می‌سازد. طبق نظریه دلبستگی، اشخاص با دلبستگی نایمن (دوسوگرا) نیز احساس ترس، بی‌اعتمادی، عدم امنیت در روابط بین فردی می‌کنند و نگران طرد شدن از سوی دیگران هستند. با نتایج این مطالعه، سبک دلبستگی نایمن با ایجاد تداخل در فرآیند همدلی محکومان دادگاه‌های کیفری، می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی و ارتکاب جرم در افراد شود؛ چرا که با وجود این سبک، افراد محیط اطرافشان را محیطی ناامن، تهدیدکننده و بی‌ثبات تلقی می‌کنند. چنین برداشتی از محیط باعث کم‌رنگ شدن هنجارهای اجتماعی شده و نوعی جدایی عاطفی و هیجانی از محیط را برای افراد به ارمغان می‌آورد که نتایج آن را می‌توان در اتخاذ استراژی جبرانی که همان ارتکاب جرم و عدم همدلی اجتماعی با جامعه است، ملاحظه نمود؛ بنابراین نظریه دلبستگی با تأکید بر روابط اولیه کودک با والدین، می‌تواند رفتارهای انحرافی و مجرمانه در آینده را پیش‌بینی کند. این نتایج همسو با مطالعات نجاتی (۱۳۶)، هاشمی و همکاران (۱۳۹۴) می‌باشد.

منابع

۱. بهره‌مند، میثم. (۱۳۹۸). رابطه اختلالات روانی با بزهکاری و ارتکاب جرم، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، شماره ۱۰، صفحات ۲۴۰-۲۰۳.
۲. بشارت، محمد علی، گنجی، پویش. (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صفحه ۳۲۴-۳۵.
۳. بابایی، محمدعلی، نجیبیان، علی. (۱۳۹۰). چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم، مجله حقوقی دادگستری (علمی پژوهش)، دوره ۷، ۵، صفحات ۱۴۷-۱۷۲.
۴. فتحی، لادن. (۱۳۹۰). حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
۵. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۹)، روانشناسی جنایی، انتشارات رشد، چاپ دهم.
۶. مغنی‌زاده، زهرا، وفایی‌نجار، علی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان، سال ۱۸(۴)، صفحه ۲۲۰.
۷. مهرابی، حسینعلی، نوروزی، ستار، میرزایی، غلامرضا، کاظمی، حمید. (۱۳۹۳). تبیین رشد پس از ضربه بر اساس شیوه‌های مقابله با استرس، سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی در جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه، مجله پرستار و پزشک در رزم، دوره ۲، شماره چهار، صفحات ۱۵۳-۱۶۱.
۸. نجاتی، وحید، ذبیح‌الله، عباس، خلیلی‌پاجی، عارف، رامشی، میثم. (۱۳۹۶). مقایسه سبک‌های دلبستگی در محکومان دادگاه‌های کیفری و افراد عادی. نشریه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۱، صفحات ۷۴-۵۵.

Investigating the relationship between attachment styles and crime rates among convicts in Zahedan criminal courts

Narges Janabadi ¹, Mahsa chahkandi ²

¹ Master of Criminal Law and Criminology, Member of the Young Researchers and Elites Club, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

² Master of General Psychology, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

Abstract

The family and the environment in which people grow up can be an important factor in the emergence of deviant behavior and committing crimes in the future. The attachment theory, which is formed based on the primary relationships of people with their parents, has a special place among the theories that explain criminal behavior. The purpose of this article is to investigate the relationship between attachment styles and the rate of crime among convicts in Zahedan criminal courts. In this research, 62 convicts from criminal courts were selected by available sampling method and filled in Collins and Reed's (1990) attachment styles questionnaire and researcher-made crime commission questionnaire. Data were analyzed using Pearson's correlation test and simple linear regression. The results indicated that there is a significant relationship between attachment styles and committing a crime, and this relationship was positive and significant in secure, negative and meaningful attachment styles and positive and significant in avoidant and insecure (ambivalent) attachment styles. This means that the use of avoidant and insecure (ambivalent) attachment styles in childhood will cause fear and interference in the process of empathy in adulthood, and this can cause deviant behaviors and committing crimes in people.

Keywords: attachment styles, committing crimes, convicts of criminal courts
